

خط به خط، محور به محور، سنگر به سنگر تا اسارت

بوسه ایران بر پیشانی آزادگان

آن ها هزار آزاده بودند. نخستین گروه اسرای ایرانی که از طریق مرز خسروی به وطن بازگشتند. در عصر چنین روزی پا به خاک میهن گذاشتند تا اولین گام میادله اسرا میان ما و آن ها که ایران را به خاک و خون کشیدند برداشته شود. اشک ها و لبخند ها در هم آمیخته بود و عطر گل های انتظار در همه جا پیچیده بود. پدران یعقوب وار. پیراهن یوسف را در بغل داشتند و انتظار دیدار یوسف ها نور به چشمانشان پاشیده بود و در این میان چه دیدنی بود سجده شکری که آزادگان با ورود به کشور بر خاک میهن در مرز به جای آور دند و چه زیبا بود تجسم حضور فرزندان وطن در آغوش سرزمینی که غیرتش آوازه جهان و جهانیان شده بود. اگر چه نمی توانیم دراین جا حق مطلب را ادا کنیم اما با تنی چند از این آزادگان از بین هزاران آزاده ای که به وطن بازگشتند به گفت و گو نشستیم و چه زیبا بود حرف مشترکی که این همه ایثار را نشان می داد آن جایی که می گفتند اگر یک بار دیگر هم پای دفاع از وطن و دین در میان باشد خواهند رفت و خواهند جنگید.

آرزوی شهادت

آرزوی شهادت داشتیم اما اسیر شدم این جمله اوج اخلاص و ایثار را نشان می دهد.

هنوز هم اگر پای دین و وطن باشد خواهیم جنگید و مطمئن هستم جوانان امروز هم جبهه ها را خالی نمی گذارند.»(مضانعلی ایزانلو)
در عملیات خیر اسیر شد و ۷۸ ماه در پشت دیوارهای بلند اسارت در انتظار آزادی بود. او در مورد چگونگی اسارتش می گوید: برای بار دوم به جبهه رفتم و هنوز یک ماه نشده بود که اسیر شدم.

وی ادامه می دهد: از استخبارات به اردوگاه موصل برده شدم اردوگاهی که به «حرس خمینی» معروف بود یعنی پاسداران خمینی و بیشتر اسرایی که در آن جانگهداری می شدند بسیجی و پاسدار بودند.

او با یاد آوری خاطرات آن روزها می گوید: تلخ و شیرین آن روزها با هم آمیخته شده بود و گاهی چنان عرصه را بر ما تنگ می کردند که از صبر خود تعجب می کردیم.

وی در مورد انتخاب مسئول اردوگاه می گوید: می خواستند نظر خود را به ما تحویل کنند اما ما با وجود آن همه شکنجه و عذاب نگذاشتیم این اتفاق بیفتد و با وجود برخورد ها، ضرب و شتم و شکنجه هایی که شدیم اما مقاومت کردیم و نظر خود را به کرسی نشاندیم تا جایی که دشمن اقرار کرد این اردوگاه ایرانی کوچک و دوم است که در آن قوانین کشور خودشان را اعمال می کنند.

غذا هر ۳ روز

وی در ادامه با بیان این که ۱۲۰ اسیر در این اردوگاه در اسارت بودند، می گوید: شکنجه ها مستمر بود گاهی روحی و روانی و گاهی فیزیکی. یک روز فن های اردوگاه را خاموش می کردند و در آن گرمای آزار دهنده و هوای بد و نامطبوع ۳ روز به ۳ روز به ما غذا می دادند به طوری

ورزش



صفحه ورزش را می توانید ۴ روز در هفته در روزنامه خراسان شمالی بخوانید. همچنین می توانید درد دل ها، مطالب علمی، نظرات، انتقادات و پیشنهادهای خود را در مورد اوضاع ورزش استان و صفحه ورزش از طریق شماره تلفن های دفتر روزنامه خراسان شمالی و یا ایمیل shomalinews@gmail.com بفرستید.

با عنوان «صفحه ورزش» ارسال کنید.

استخدام

به دونفر سالن دار جهت اشتغال در رستوران نیازمندیم
۰۹۱۵۱۱۱۰۰۱۹
۰۹۵۱۵۸۶۲۲/۰

ایزوگام شرق مشهد
پخش عمده قیمت متری ۴۵۰۰ ت
رحیمی ۰۹۱۵۱۸۸۰۱۲۵
۰۹۵۱۲۷۵۹۹/۰

درستکاری
بهترین سیاست است
۰۹۵۱۲۷۵۹۹/۰

جناب آقای دکتر محمد رضا صالحی
استاددار محترم خراسان شمالی

جناب آقای دکتر امیرحسین حسینی
استاددار محترم خراسان شمالی

انتصاب بجای و شایسته جنابعالی به سمت استاددار و جناب آقای محمود دلپشت به سمت معاون هماهنگی امور اقتصادی و توسعه منابع استانداری خراسان شمالی را صمیمانه تبریک عرض نموده، توفیق و سربلندی شما بزرگواران را در خدمت به نظام مقدس جمهوری اسلامی مسئلت داریم.

اتحادیه کاوداران و دامپروران خراسان شمالی
۰۹۵۱۵۷۲۲۶/۰

جواهر ارکیبه کاملی

فروش اقساطی طلا و یره کارمندان دولت

تلفن تماس : ۰۵۸ ۳۲۲ ۲۲۲ ۶۶

بجنورد ، حاشیه میدان شهید ، به سمت کارگر،سمت چپ، اولین مغازه

گزارش

۳

سه شنبه ۲۶ مرداد ۱۳۹۵ ۱۳ ذی القعدة ۱۴۳۷ شماره ۲۲۲۴



که در گرمای رماده به کمبودشدیدآب مواجه بودیم ونبود بهداشت و دستشویی مناسب آزار دهنده بود زیرا مجبور بودیم ۵۰ نفر از ۲۰ لیتر آب استفاده کنیم و هنگامی که با صلیب سرخ هم صحبت کردیم عراقی ها با رفتاری که از خود نشان دادند به ما فهماندند که صلیب سرخ در رماده فقط یک نام را یدک می کشد و نمی تواند هیچ کار مثبتی برای بهتر شدن وضعیت ما انجام دهد. و بعد از آن دیدار ما با صلیب سرخی ها فقط این بود که نامه های خانواده های ما را به دست ما می رساندند. وی با بیان این که هیچ گاه ذره ای تردید نسبت به رستی کار خود در حضور در جبهه ها ندار دبیان می کند: به کار خود اعتقاد دارم و الا آن هم بگویند می رویم و می جنگیم زیرا برای خدا رقتیم نه برای دنیا و هیچ وقت تردید نکردیم.

خبر رحلت امام(ره)

«فریدون صادقی» یکی دیگر از آزادگانی است که ۴ سال در اسارت بوده است. او در عملیات کربلای ۶ اسیر شد و در آن هنگام دیده بان ارتش در لشکر ۸۸ بود. وی با بیان این که فشار ها در شکنجه های اسارت بیان شدنی است، عنوان می کند: ارشد اردوگاه ما سرهنگ خلبانی بود که در هنگام سقوط مجروح شده بود و درمان هم نشده بود و آسیب دیدگی او به اندازه ای بود که نمی توانست به درستی راه برود. صادقی بیان می کند: عراقی ها یک مرتبه او را در میان گل و لای در حدود ۱۰۰ متر روی زمین غلتاندند و آسیب دیدگی او به اندازه ای بود که تا مدتی نمی توانست تکان بخورد.

وی در ادامه می گوید: با این کارها بعضی ها می خواستند روحیه ما را خرد کنند و مقاومت ما را به هم بریزند. وی در ادامه عنوان می کند: در اردوگاه ما کاری کرده بودند که هیچ فردی نمی توانست به فردی دیگر اعتماد کند و سخن چینان منافق هر چه می گفتیم به گوش عراقی ها می رساندند به طوری که یک بار به دلیل حرفی که رزم می خوانستند تمام اردوگاه را آتتشه کنند.

وی ادامه می دهد: گفتند اگر فردی که این حرف را زده خود را معرفی نکند تمام بچه ها کتک می خورند. وی ادامه می دهد: بعد از این که خود را معرفی کردم مورد ضرب و جرح قرار گرفتم اما روحیه ما و امام دوستی ما را نتوانستند از بین ببرند. صادقی بیان می کند: هنگامی که امام(ره) در بستر بیماری بودند نمی گذاشتند از اخبار آگاه شویم و روزی چند بار اخبار دروغ به ما می گفتند اما من در نانوائی اردوگاه کارمی کردم و روز رحلت امام(ره) از رانندگان شنیدم که امام(ره) از دنیا رفته است؛ خبری که همه اردوگاه را به گریه انداخت اما عراقی ها نمی گذاشتند عزاداری و گریه کنیم و دور هم باشیم.

وی می گوید: با همه سختی ها خاطرات اسارت از بهترین خاطرات زندگی من بود و تلخ و شیرین هیچگاه فراموش نخواهد شد.

روز فراموش نشدنی

خراسان شمالی دارای ۳۷۱ آزاده است که جوان ترین آنان در زمان اسارت ۱۴ ساله و پیرترین آنان ۶۷ ساله بود. روز ورود آزادگان به وطن روزی فراموش نشدنی بود؛ روزی که همه به پا خاستند و به احترام این عزیزان قامت برافراشتند و بر پای آزادگان گل ریختند. آن روزها هیچ گاه از یادمان نخواهد رفت.

وی با بیان اینکه باید ببینیم ضعف کار کجاست، ادامه می دهد: اسارت، اسارت است و سختی های خود را دارد ولی بدترین قسمت کار این جا بود که شکنجه های خودمان را می توانستیم تحمل کنیم اما شکنجه دوستان و ضرب و جرح آن ها در مقابل چشم بغیه درناک بود و بدتر از این

برای نسل جوانی که مرتب سوالات جدید در این مورد مطرح می کردند به اندازه خود فرهنگ ایثار و شهادت را تشریح کنم. اکنون نیز مهمترین موردی که باید به آن پرداخته شود این است که با روشنی موثر ارتباط خوبی بین جوانان و دوران دفاع مقدس برقرار کنیم.

فروشگاه لوازم خانگی

علیرضا علی پور

فروش اقساطی

یک سوم نقد الباقی در ۵ ماه

مخصوص لباسشویی های زیرووات ، کروپ و تلویزیون های LED هایر و سونیا

بجنورد- خیابان طالقانی شرقی ۶- روبروی شرکت گل- لوازم خانگی علیرضا علی پور

۰۵۸۳۳۲۵۱۳۵۸ - ۰۹۱۵۶۸۴۱۰۰۶